

## رقص روی یخ'

بیا برقصیم بالای یخ های منجمد زندگی  
شاید باز شود سکوت درون ما  
بیا برقصیم مست در میدان  
عشق های مرده ی ما  
شاید جان بگیرد نفس درون ما  
بیا برقصیم ای یار  
بیا  
بیا تا ناموزونی درون را  
در سکوت یخها موزون سازیم  
بیا تا قطب شمال را  
آب کنیم  
در آغوش یک عشق آتشین  
بیا تا بچرخیم گرد محور آزادی  
بیا تا وحشت درون را  
به نور بسپاریم  
شاید آنگاه دگر بهمنی  
نکند شکار پنجشیری را  
شاید آنگاه دگر نسوزد عشقی  
و نشود مسموم رویا های ما  
شاید آنگاه  
نگیرد خفقان در کنجی دخترکی  
و نه بندند بزنجیر مذهب  
انسان را  
بیا تا برقصیم ای یار  
بیا  
بیا تا گرد محور آزادی برقصیم  
بیا تا بر پا کنیم مستانه رقصی  
در قطب شمال اندیشه ها  
تا آب شود یخهای منجمد اندیشه های سیاه  
بیا تا برقصیم ای یار  
بیا  
بیا تا بهمن وار برقصیم  
بی آنکه انسانی را کنیم پامال  
و انسانیت را  
بیا بزیر بگیریم سیاهی را  
جاهلیت را  
بیا تا برقصیم ای یار  
بیا

سوما کاویانی  
۲۰۱۵/۰۲/۲۸  
صبح ۱۰:۵۲